

سخن سردبیر

این شماره از مجله شناخت با پرسش از سرشت معرفت و نسبت آن با حقیقت آغاز می‌شود و، در گذری تدریجی، تا پرسش‌های فلسفی فناوری معاصر پیش می‌رود. مقاله نخست، «فلسفه و تئورزی در اندیشه پروکلوس»، تئورزی را نوعی جادو با استفاده از نمادها برای تسخیر اراده ایزدان و تصرف در قوای الهی معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که پروکلوس آن را نوعی معرفت می‌داند. به عقیده او فلسفه معرفتی مبتنی بر نام‌ها و ایده‌ها و تئورزی معرفتی مبتنی بر نمادهاست، و این دو با تفسیری متفاوت از دو مفهوم علیت و شباهت با یکدیگر جمع می‌شوند؛ زیرا هر معرفتی مبتنی بر رابطه علی است و بازگشت معلول به علت، به موجب شباهت، همان معرفت است. بدین ترتیب پروکلوس، با تبیینی متفاوت از علیت و شباهت، فلسفه و جادو را به یکدیگر نزدیک می‌سازد.

از معرفت مبتنی بر نسبت میان علت و معلول به پرسش از نسبت میان فاعل شناسنده و حقیقت می‌رسیم. مقاله دوم، «هم‌سویی وجودی و امکان کشف حقیقت»، الگوی «سوژه خنثی» در معرفت‌شناسی مدرن را به نقد می‌کشد و از این ایده دفاع می‌کند که صدق معرفت نه صرفاً تابع کفایت شواهد، بلکه وابسته به نحوه استقرار وجودی انسان در نسبت با حقیقت است. نویسنده، با بازسازی فلسفی نظریه «تأثیرات معرفتی ارتکاب گناه»، نشان می‌دهد که تحریف معرفتی را باید پیامد گسست ساختاری انسان از حقیقت دانست، و در مقابل، تعبد را به مثابه هم‌سویی وجودی با واقع و شرط امکان انکشاف ژرف‌تر حقیقت و فعلیت یافتن عقلانیت اصیل صورت‌بندی می‌کند؛ چنان‌که عصیان و تعبد، به‌عنوان دو وضعیت متقابل، افق معرفت را به‌طور ساختاری مسدود یا گشوده می‌سازند. مقاله سوم، «حقیقت؛ قدرت؛ خود»، از زاویه‌ای دیگر به نسبت سوژه و حقیقت می‌پردازد. نویسنده، در برابر این ایراد که سوژه فوکو محبوس در خود و منقاد در زبان است، استدلال می‌کند که فوکو از دو سوژه سخن می‌گوید: نخست، سوژه‌ای منقاد که ذیل گفتمان و کردوکارهای قدرت و تکنیک‌های خود پدیدار می‌شود و قرابتی آشکار با سوژه لکان و آلتوسر دارد، و دیگر، سوژه‌ای با سویه‌های اگزستانسیال که امکان بازآفرینی و خلق خویش را دارد و می‌تواند بازی دانش-قدرت را بر هم زند؛ سوژه‌ای که به ابرانسان مدنظر نیچه نزدیک است و، به‌رغم اهمیت شایانش، کمتر مورد توجه واقع شده است.

پرسش از تکوین سوژه و درونی‌شدن هنجارها، ما را به حوزه تعلیم و تربیت می‌رساند. مقاله چهارم، «پیروی از قاعده و جامعه‌پذیری: خوانشی تربیتی از ویتگنشتاین»، با تکیه بر مفاهیم فلسفه متأخر ویتگنشتاین، چون «تمرین» در برابر «تبیین»، «بازی‌های زبانی» به مثابه بخشی از «شکل زندگی»، «پیروی از قاعده» به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، و طرد «زبان خصوصی»،

استدلال می‌کند که جامعه‌پذیری را نمی‌توان فرایندی صرفاً آگاهانه و مبتنی بر قاعده دانست؛ بلکه درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها از راه «تمرین» و تکرار عملی در بافتی از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد، نه از طریق انتقال نظری قواعد. مقاله پنجم، «عواطف: هسته مرکزی فلسفه تعلیم و تربیت لیز جکسون»، همین توجه به ابعاد غیرشناختی تربیت را پی می‌گیرد. نویسنده، با استناد به آثار لیز جکسون، نشان می‌دهد که «عاطفه» در فلسفه تعلیم و تربیت او عنصری مرکزی است و آموزش صرفاً فرایندی شناختی و انتقال اطلاعات نیست، بلکه عمیقاً با احساسات، ارزش‌ها و تجربه زیسته انسان‌ها گره خورده است؛ تأکیدی که جکسون، با دفاع از اخلاق مراقبت‌فلسوفانی چون نل نادینگز و در چارچوب آنچه «چرخش عاطفی در آموزش» می‌نامد، آن را در برابر اخلاق وظیفه‌گرای کانتی و فایده‌گرا می‌نماید.

از نقش عاطفه در تربیت به نقش آن در تجربه زیباشناختی می‌رسیم. مقاله ششم، «نقد و بررسی دیدگاه آدام اسمیت در باب مسئله لذت تراژیک و مقایسه آن با آرای هیوم و برک»، به این پرسش می‌پردازد که چرا انسان‌ها از تماشای بازنمایی رنج در تراژدی لذت می‌برند، درحالی‌که همان صحنه‌ها در زندگی واقعی ناخوشایندند. نویسنده نشان می‌دهد که اسمیت، در کتاب نظریه احساسات اخلاقی، راه‌حل این «تناقض تراژدی» را نه در نظریه‌های خودمدارانه‌ای چون دیدگاه هابز و نه صرفاً در نظریه فرم‌گرایانه هیوم، بلکه در مفهوم «همدلی» می‌جوید؛ فرایندی مبتنی بر قوه خیال و داوری اخلاقی که در آن لذت اصلی نه از رنج کشیدن، بلکه از «هماهنگی احساسات» نشئت می‌گیرد. این نظریه، با تأکید بر پیوند ناگسستگی میان زیباشناسی و اخلاق، همدلی را به عاملی برای پرورش فضیلت بدل می‌کند، و مقاله با مقایسه دیدگاه اسمیت با هیوم و برک به پایان می‌رسد.

این شماره با دو مقاله درباره فناوری و عاملیت غیرانسانی به پایان می‌رسد. مقاله هفتم، «علیت در عصر یادگیری ماشین»، به جایگاه مفاهیمی چون تبیین و علیت در علمی می‌پردازد که به‌طور فزاینده بر پیش‌بینی آماری تکیه دارد. نویسنده استدلال می‌کند که علیت در حوزه نوظهور «هوش مصنوعی علی» را نه باید بازنمایی مستقیم سازوکارهای بنیادین جهان دانست و نه صرفاً ابزاری مهندسی برای بهبود پیش‌بینی، بلکه می‌توان آن را ساختاری تبیینی، میان‌سطحی و وابسته به مداخله تفسیر کرد که اعتبار معرفت‌شناختی خود را از ناوردایی تحت مداخله و توانایی تعمیم فراتوزیعی به دست می‌آورد؛ تفسیری که هم موفقیت عملی رویکردهای علی را توضیح می‌دهد و هم از تعهدات متافیزیکی سنگین می‌پرهیزد. سرانجام، مقاله هشتم، «پدیدارشناسی بازی‌های رایانه‌ای در افق واقع‌گرایی نظرورزانه»، با تلفیق پدیدارشناسی و واقع‌گرایی نظرورزانه می‌پرسد که اشیای دیجیتال چگونه و بر اساس چه سطحی از هستی، پیش از هرگونه ادراک یا کنش انسانی، جهان‌بازی را پدید می‌آورند. نویسنده نشان می‌دهد که پردازش‌های گرافیکی، معماری کد و منطق الگوریتمی، شبکه‌ای از کنشگری غیرانسانی می‌سازند که به‌طور مستقل جهان‌بازی را پیکربندی می‌کند و انسان در آن جایگاهی ثانوی دارد؛ چارچوبی که فهمی غیرانسان‌محور و تکنیک‌محور از هستی بازی‌ها به دست می‌دهد.

امید است این هشت پژوهش، در کنار یکدیگر، درگاهی نو به روی تأمل فلسفی بگشایند.

اصغر واعظی

سردبیر مجله شناخت

Editor's Note

This issue of *Shenakht* opens with the question of the nature of knowledge and its relation to truth, and then moves, by gradual steps, toward the philosophical questions of contemporary technology. The first article, "Philosophy and Theurgy in Proclus' Thought," introduces theurgy as a kind of magic that uses symbols to capture the will of the gods and to act upon divine powers, and shows that Proclus regards it as a form of knowledge. In his view, philosophy is a knowledge grounded in names and ideas, while theurgy is a knowledge grounded in symbols, and the two are reconciled through a distinctive interpretation of the two concepts of causality and similarity; for every act of knowledge rests on a causal relation, and the return of the effect to its cause, by virtue of similarity, is itself knowledge. In this way Proclus, by offering a different account of causality and similarity, brings philosophy and magic close to one another.

From a knowledge grounded in the relation between cause and effect, we move to the question of the relation between the knowing subject and truth. The second article, "Existential Alignment and the Possibility of Discovering Truth: An Epistemological Analysis of the Cognitive Effects of Rebellion and Devotional Disposition, with Reference to the Theory of the 'Cognitive Effects of Sin,'" criticizes the model of the "neutral subject" in modern epistemology and defends the idea that the truth of knowledge is not merely a function of the sufficiency of evidence but is bound up with the manner of the human being's existential situating in relation to truth. Through a philosophical reconstruction of the theory of the "cognitive effects of sin," the author shows that cognitive distortion must be understood as a consequence of the human being's structural rupture from truth, and, by contrast, formulates devotional disposition as an existential alignment with reality and as the condition of possibility for a deeper disclosure of truth and for the actualization of authentic rationality; such that rebellion and devotion, as two opposing states, structurally close off or open up the horizon of knowledge. The third article, "Truth; Power; Self (An Introduction to Michel Foucault's Thought on the Subject: In the Struggle of Power, Truth, and Resistance)," approaches the relation between subject and truth from another angle. Against the objection that Foucault's subject is imprisoned within itself and subjugated by language, the author argues that Foucault speaks of two subjects: first, a subjugated subject that emerges beneath discourse, the practices of power, and self-techniques, and that bears a clear affinity with the subject of Lacan and Althusser; and second, a subject with existential dimensions that has the capacity to recreate and create itself, can disrupt the knowledge-power game, and stands close to Nietzsche's Übermensch, yet despite its considerable importance has received less attention.

The question of the formation of the subject and the internalization of norms brings us to the domain of education. The fourth article, "Rule-Following and Socialization: An Educational Reading of Wittgenstein," draws on key concepts of the later Wittgenstein, such as "training" as opposed to "explanation," "language-games" as part of a "form of life," "rule-following" as a

social phenomenon, and the rejection of "private language," to argue that socialization cannot be regarded as a merely conscious, rule-based process; rather, the internalization of norms and values takes place through "training" and practical repetition within a fabric of social actions and reactions, not through the theoretical transmission of rules. The fifth article, "Emotions: The 'Central Core' of Liz Jackson's Philosophy of Education," pursues this same attention to the non-cognitive dimensions of education. Drawing on Liz Jackson's works, the author shows that "emotion" is a central element in her philosophy of education and that education is not merely a cognitive process and a transmission of information, but is deeply bound up with the feelings, values, and lived experience of human beings; an emphasis that Jackson, by defending the care ethics of philosophers such as Nel Noddings and within the framework of what she calls the affective turn in education, sets against Kantian duty-based and utilitarian ethics.

From the role of emotion in education we move to its role in aesthetic experience. The sixth article, "Criticism and Study of Adam Smith's View on the Issue of Tragic Pleasure and Its Comparison with the Views of Hume and Burke," addresses the question of why human beings take pleasure in viewing the representation of suffering in tragedy, while the same scenes in real life are unpleasant. The author shows that Smith, in *The Theory of Moral Sentiments*, seeks the solution to this "paradox of tragedy" neither in self-centered theories such as that of Hobbes nor merely in Hume's formalist theory, but rather in the concept of "sympathy"; a process grounded in the faculty of imagination and moral judgment, in which the principal pleasure arises not from the experience of suffering but from the "concordance of sentiments." This theory, by emphasizing the inseparable bond between aesthetics and ethics, turns sympathy into an agent for cultivating virtue, and the article closes by comparing Smith's view with those of Hume and Burke.

The issue ends with two articles on technology and non-human agency. The seventh article, "Causality in the Age of Machine Learning: A Philosophical Analysis of Causal Discovery by Artificial Intelligence," addresses the place of concepts such as explanation and causality in a science that increasingly relies on statistical prediction. The author argues that causality in the emerging field of "causal artificial intelligence" should be understood neither as a direct representation of the world's fundamental mechanisms nor merely as an engineering tool for improving prediction, but can rather be interpreted as an explanatory, inter-level, and intervention-dependent structure that derives its epistemic validity from invariance under intervention and the capacity for out-of-distribution generalization; an interpretation that both explains the practical success of causal approaches and avoids heavy metaphysical commitments. Finally, the eighth article, "A Phenomenological Study of Video Games from the Perspective of Speculative Realism," combines phenomenology and speculative realism to ask how, and on the basis of what level of being, digital objects bring forth the game-world prior to any human perception or action. The author shows that graphical processing, code architecture, and algorithmic logic constitute a network of non-human agency that independently configures the game-world, within which the human being occupies a secondary place; a framework that yields a non-anthropocentric and technology-centered understanding of the being of games.

It is hoped that these eight studies will open a new window onto philosophical reflection.

Asghar Vaezi
Editor-in-Chief,
Shenakht